

عشق روزهای کرونا

مریم میرمحرابی

www.ketab.ir



سرشناسه: میرمحرابی، مریم، ۱۳۵۸
عنوان و نام پدیدآور: عشق روزهای کرونا/ مریم میرمحرابی.
مشخصات نشر: تهران: رامند، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص.
شابک: ۹۷۸۹۶۴۵۸۵۷۶۲۰
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: داستان‌های فارسی قرن ۱۴
موضوع: Persian fiction 20th century
رده ی کتبی: PIR۸۳۶۱
ده بندی یی: ۸۳/۶۲
سال کتابخانه ملی: ۱۳۰/۶۱۲۸

 انتشارات رامند

نام کتاب	عشق روزهای کرونا
نویسنده	مریم میرمحرابی
ویراستار	صغریه میرمحرابی
ناشر	انتشارات رامند
طراح گرافیک	میشال زرد
شمارگان	۱۰۰ جلد
چاپخانه	پژمان
نوبت چاپ	اول ۱۳۹۹
قیمت	۳۰۰۰۰ تومان
تلفن مرکز پخش	۰۹۳۷۸۳۳۹۶۰۸

سخن نویسنده:

سال‌ها پیش به یاد می‌نوشتم و می‌دانستم زمانی رقص قلم برایم نتیجه‌ای لذت‌بخش خواهد داشت و روحم را آرام خواهد کرد که واژه‌های آن از سرزمینی دیگر بر دلم وارد شود. بارها قلم را به دست گرفتم، اما هر بار به پایزن رسیدم، بارش واژه‌ها بر وجودم پایان می‌یافت و باز متنی را نیمه‌کاره به گرسنه‌ای می‌گذاشتم، اما این بار در نیمه‌شب این بارش شروع شد و قلم را به رقص آورد و واژه‌هایی که بر صفحه قلم حک می‌شد، کار ذهن مغز را عقل نبود. جوشش بود و جوشش، چون یک سماع...

به مدت یک هفته، این بارش، شبانه‌روز ادامه داشت و من همچون تشنه‌ای مبتلا به استسقا، نوشیدم و تشنه‌تر می‌شدم. نوشتم و نتیجه شد، آنچه پیش روی خود می‌بینید.

گرچه ترسیم تابلویی که واژه‌ها خلق کردند، به‌ظاهر در قالب این رمان نمایان شد؛ اما ریشه‌ی آن در اعماق وجودم و شاخه‌های آن بر افلاک است و مرا که تشنه‌ی همیشگی بودم، تشنه‌ی ابدی ساخت.

امیدوارم همان قدر که خود، از نوشتن و بارها خواندنش به خلسه‌ای فرازمینی فرومی‌روم، خوانندگانم نیز لذتی روحی را تجربه کنند و در کنار من بی‌صدا و با زبان بی‌زبانی بارها عاشق شوند و عاشق کنند و عاشق بمانند.

تمامی ترانه‌ها و اشعار و سخنانی که در داستان استفاده شده در کانال تلگرامی «@cinemaayezendegi» با رعایت حق امانت و ذکر نام شاعر و نویسنده و خواننده آن به اشتراک گذاشته شده و نکات روان‌شناسی خلال داستان، زیر نظر برادر عزیزم، روانشناس شخصیت، دکتر میرمحرابی، به شکل موشکافانه بررسی شده و چنانچه نکته‌ای مطابق با اصول روان‌شناسانه نبود، با نظر ایشان و به‌گونه‌ای که بر اصل داستان لطمه‌ای نخورد، اصلاح شده است. از حضور عادت‌هایش در این داستان نیلوفری، سپاسگزارم. دست تک‌تک کسانی که با نگاه زبایشان به من باورِ شدن را آموختند به گرمی می‌فشارم...

با احترام و ارادت: مریم میرمحرابی